

روز وقتی فاصله طبقاتی، اشرافیت، فقر، فساد، تبعیض و سایر آثار به‌جامانده از گفتمان آن مرحوم را در جامعه می‌بینیم خود به خود به یادش هستیم…»

مصطفی میرسلیم، چهره شناخته‌شده حزب مؤتلفه و نماینده سابق مجلس هم ۲۳ دی ۹۶ در مصاحبه‌ای با صراط‌نیوز می‌گوید: «تعداد کمی از همکاران ایشان روش توأم با قناعت را ادامه دادند؛ عده‌ای هم به زندگی خود و خانواده‌شان گشایش معقولی دادند بدون آن که به انحراف کشیده شوند ولی تعدادی نیز گرفتار تجمل شدند و این منبشایی برای شکل‌گیری برخی مفاسد بعدی بود.»

حسن لارئی، فعال سیاسی اصول‌گرا هم در سخنرانی‌ای که روز ۲۳ آبان ۱۳۹۷ در دانشگاه آزاد یاسوج انجام می‌دهد، اینگونه می‌گوید: «فساد اقتصادی و اشرافی‌گری از زمان دولت سازندگی شروع شد. با شروع وام‌های کلان و دادن امتیازهای ویژه این فسادها رونق پیدا کرد. تا جایی که سیداحمد خمینی خطاب به آقای هاشمی رئیس‌جمهور وقت گفت، سازندگی چیز دیگری و اشرافی‌گری چیز دیگری است.» **رجانیوز** هم در تاریخ ۲۰ دی ۱۴۰۱ یادداشتی به قلم **سیدمعین میرحسینی** منتشر می‌کند که در بخشی از آن آمده است: «چرا باید سالگرد فوت این فرد برای جامعه مهم باشد. فردی که منادی تفرقه بود، نه وحدت؛ که اگر چنین نبود، فتنه ۸۸ را بازیگردانی نکرده و با نوشتن نامه تهدیدآمیز به ولی امر، رای مردم را پایمال نمی‌کرد. فردی که منادی ناامنی بود، نه امنیت؛ که اگر چنین نبود یا جمله تاریخی «دنیاای فردا دنیای گفتمان‌هاست و نه موشک‌ها»، خط انحرافی را ضریب و گرای ایجاد ناامنی به دشمنان ایران نمی‌داد. فردی که منادی عقب‌گرد بود و نه پیشرفت؛ که اگر چنین نبود در دوران سازندگی با سیاست‌های لیبرالی، خون به دل مستضعفان نکرده و تحقق عدالت را قربانی یک طبقه نوکیسه سرمایدار اشرافی نمی‌کرد.» در این ارتباط **صراط‌نیوز** هم ۲۹ دی ۱۴۰۳ یادداشتی منتشر کرده و می‌نویسد: «حضور امثال عبدالکریم سروش در ستاد انقلاب فرهنگی، محمدجواد ظریف در وزارت خارجه و محمدنهادنیان در وزارت بازرگانی دولت سازندگی، که ارتباط‌شان با حلقه حجتیه غیرقابل انکار است، مؤید این حقیقت است که تربیت‌یافتگان این فرقه تا چه میزان در به بیراهه بردن سیاست‌گذاری‌های نظام در چهار دهه اخیر مؤثر بوده‌اند.»

این حمله‌ها و جمله‌ها، گاهی درباره شخص رئیس دولت سازندگی با نام بردن مستقیم از او هم بوده است. برای مثال ۱۷ مرداد ۱۴۰۳، از **غلامرضا فیاضی عضو مجلس خبرگان** وی‌تیوی منتشر می‌شود که در آن علیه خاتمی و هاشمی حرف می‌زند و می‌گوید: «خاتمی شیعه نیست… رفسنجانی هم در مقابل ولی زمان می‌ایستد و ملعون است. اگر او ملعون نباشد کس دیگری ملعون نیست.» **کبری آسوپار، خبرنگار اصول‌گرا** هم دهم بهمن ۱۴۰۲ در توئیتر خود می‌نویسد: «سال‌هاست مردم در مورد اموال خانواده هاشمی‌رفسنجانی شبهاتی پررنگ دارند. خصوصاً اینکه یکی از فرزندان هاشمی‌رفسنجانی سال‌ها به دلیل فساد اقتصادی در زندان بود و این شبهات را در مورد کل خانواده پررنگ‌تر کرد. آیا پررنگی این شبهات اقتصادی در مورد مرحوم هاشمی و خانواده‌اش الزاماً نشانه درست بودن آنهاست؟»

یک نمونه دیگر که می‌توان در این ارتباط اشاره کرد، یادداشتی است که ۲۹ اسفند ۱۴۰۱ توسط **رجانیوز** منتشر شده و در بخشی از آن می‌آید: «همین چند سال پیش بود که رئیس‌جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی درحالی‌که خنده مشمئزکننده‌ای بر لب‌ها داشت می‌گفت من خودم هم صبح جمعه فهمیدم! از چند روز مانده به عید رئیس‌جمهور در کشور گم می‌شد و بعدها تصاویر دیدارهای غیررسمی و عیدانه او از جزیره کیش و قشم مخابره می‌شد! سابق براین در دولت به اصطلاح سازندگی، رفیق و شفیق یا به تعبیر بهتر پدر معنوی روحانی تفریحات‌اش را در سد لتیان سپری می‌کرد!»

استاندار دوگانه

این تنها بخش‌هایی از جمله‌هایی بود که اصول‌گرایان درباره دولت‌های سازندگی و رئیس آن دولت‌ها گفته‌اند و از آنجا مورد اشاره قرار گرفت که هم رئیس آن دولت‌ها و هم رئیس دولت سیزدهم دیگر در قید حیات نیستند. ولی اگر بنابر اشاره به دیگر حمله‌ها و اتهامات به دولت‌های غیراصل‌گرا باشد، می‌تواند موارد متعددی را ردیف کرد؛ برای مثال **محمدرضا نقدی** که دوم آذر ۱۳۹۵ علیه خاتمی گفته بود: «آقای خاتمی رفته برای کار سیاسی از شاه عربستان پول گرفته است.»

همانطور که مشخص است، برخی چهره‌های اصول‌گرا به صورت آشکار و بدون پرده‌پوشی علیه دولت‌های غیر خودی که کارشان به پایان رسیده، توهین کرده و گاهی کارشان از توهین فراتر رفته و اتهام می‌زنند. سوالی که وجود دارد این است که اگر آنچه آن فعال سیاسی در بیرجند گفته، توهین به دولت سیزدهم و رئیس آن دولت محسوب می‌شده، آنچه درباره هاشمی گفته می‌وی‌گویند نامش چیست؟ اصلاً مصداق توهین از نظر آنها چیست؟

روندی که وجود دارد به نوعی این پیام را می‌تواند به جامعه منتقل کند که عده‌ای در حال قدیس‌سازی از دولت سیزدهم و مرحوم سیدابراهیم رئیسی هستند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویا تمام آن دولت گل و بلبل بوده و اگر آن‌بالگرد سقوط نمی‌کرد و عمر دولت سیزدهم ادامه داشت، ایران به بهشت برین تبدیل شده بود. حالا در این میان اینکه چرا دو وزیر دولت سیزدهم به جرم فساد به زندان محکوم شده‌اند هم داستان دیگری است که البته بعید نیست برای آن هم توجیهی پیدا کرده و فساد‌ورای دولت محبوب‌شان را هم بر گردن اصلاح‌طلبان بیاندازند.

محمد جواد ظریف:

عبارت «آن مرد رفته»

را من اولین بار در شهریور ۱۳۹۲ برای اشاره به جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد به کار بردم



روندی که وجود دارد

به نوعی این پیام را می‌تواند به جامعه منتقل کند که عده‌ای در حال قدیس‌سازی از دولت سیزدهم و مرحوم سیدابراهیم رئیسی هستند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویا تمام آن دولت گل و بلبل بوده و اگر آن‌بالگرد سقوط نمی‌کرد و عمر دولت سیزدهم ادامه داشت، ایران به بهشت برین تبدیل شده بود. حالا چرا دو وزیر دولت سیزدهم به جرم فساد به زندان محکوم شده‌اند هم داستان دیگری است که البته بعید نیست برای آن هم توجیهی پیدا کرده و فساد‌ورزای دولت محبوب‌شان را هم بر گردن اصلاح‌طلبان بیاندازند

افشین حبیب‌زاده، عضو شورای مرکزی خانه کارگر می‌گوید ایجاد محدودیت برای افراد و برخورد با یک فرد به علت نقد و اظهارنظر علیه یک دوره و دولت، برخلاف آزادی بیان و قانون اساسی است. او می‌گوید اگر در برابر اظهارنظر درباره یک فرد حساسیت ایجاد شود اما درباره دیگری این حساسیت وجود نداشته باشد، عدالت مورد سوال قرار خواهد گرفت.

طی چند روز اخیر، اظهارنظر چند دقیقه‌ای از سوی یک فعال سیاسی در بیرجند مقابل رئیس‌جمهور حاشیه‌ساز شده است. از یک سمت برخی اصول‌گراها به او حمله کرده و می‌گویند اظهاراتش توهین به سیدابراهیم رئیسی بوده‌و از سوی دیگر خبر می‌رسد که دستگاه قضایی او را احضار کرده است. تحلیل‌شما از این ماجرا چیست؟

ما باید بتوانیم مسئله نقد را از موضوعاتی که عنوان مجرمیت به آنها‌تعلق می‌گیرد، جدا کنیم. هر چقدر که ما در جامعه دایره نقد را تنگ‌تر کنیم و هر چقدر که از رویای محدود به این موضوع نگاه کنیم، طبیعی است که مواردی که می‌شود به آنها عنوان مجرمیت را داد، موسع‌تر خواهد شد و این وسیع شدن دایره محدودیت‌ها، می‌تواند به مسئله اصلی که آزادی بیان است – که این مسئله به صراحت در قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته – آسیب وارد کند. البته طبیعی است که مشخص کردن مرز بین توهین، تهمت و یا نقد و اظهارنظر به لحاظ حقوقی بر عهده قوه قضائیه قرار می‌گیرد و حتماً قوه قضائیه، در این مسیر قانون بالادستی یعنی قانون اساسی را مدنظر قرار خواهد داد و براساس آن مرزها را تعیین می‌کند. هر چند شاید در برخی مواقع تشخیص اینکه چه چیزی توهین و چه چیز نقد است، کار سختی باشد اما همانطور که گفتیم، اصل بر آزادی بیان است، مگر اینکه خلاف آن به اثبات برسد. در واقع اگر عنوان مجرمیتی به یک اظهارنظری داده شود، این ادعا نیاز به اثبات دارد. البته نکته مهمی که وجود دارد این است که این اثبات باید از منظر عمومی و از منظر زاویه‌ای که مردم به آن نگاه می‌کنند هم قابل توجیه باشد. یعنی صرفاً کافی نیست که به‌وجه حقوقی آن پرداخته شود و گفت که اظهارنظری که انجام شده، توهین به فرد یا مجموعه‌ای بوده است، بلکه حتماً باید از منظر عمومی و جامعه هم این موضوع مورد پذیرش قرار بگیرد که یک اظهارنظر توهین به شما می‌رود. نکته‌ای دیگری که وجود دارد این است که وظیفه‌همه ما به عنوان اعضای این جامعه و فعالان سیاسی این است که برای نقد و آزادی بیان احترام خاصی قائل باشیم و باید آن را به رسمیت بشناسیم و در این راستا تا جایی که امکان دارد از آن حفاظت و حراست کنیم.

بعد از انتشار آن چند تائیه، در بین واکنش‌هایی که صورت گرفته بود نکته‌ای وجود داشت مبنی بر اینکه مسعود پزشکیان به عنوان نفر اول آن جلسه، نباید اجازه می‌داد که آن فعال سیاسی چنین اظهاراتی را مطرح کند. نظرتان درباره این بخش چیست؟

این موضوع کاملاً طبیعی است که در جاهایی که مسئولین رده بالا حضور دارند و فرصت اظهارنظر هم برای سایرین فراهم شده است؛ نمایندگان احزاب، گروه‌ها و مردم مطالبی را مطرح می‌کنند. معمولاً نکته‌هایی که از سوی افراد در این نوع مراسم در حضور یک مسئول رده بالا گفته می‌شود، عمده این مطالب انتقادی است؛ حتی بسیاری از موارد انتقاد از سوی افرادی بیان می‌شود که در جبهه سیاسی همان مقام مسئول قرار دارند که اتفاقاً درباره همین مورد اخیر در بیرجند هم اظهارنظر توسط یک اصلاح‌طلب و حامی آقای پزشکیان بیان شده است. در ضمن، این موضوع را هم نباید فراموش کنیم که جایی از این بحث، ما راجع به احزاب و فعالیت سیاسی هم صحبت می‌کنیم، حتی در قانون احزاب هم اگر دقت شود، اشاره شده که احزاب می‌توانند، به صراحت قدرت را نقد کنند و در این نقد، فرقی ندارد که قدرتی که مورد نقد قرار می‌گیرد، قدرت مستقر باشد یا اینکه قدرتی باشد که اکنون مستقر نیست. درباره ماجرای که در بیرجند رخ داد و اعتراض‌هایی را همراه داشت، باید بگویم که آن شخص براساس قانون اجازه دارد که قدرت را نقد کند و حرفی که زد در چار چوب قانون بود. قانون او را مکلف کرده که به عنوان یک فعال سیاسی انتقاد کند و در این حوزه، یعنی در حوزه نقد و اظهارنظر، آزادی بیان داشته باشد و این آزادی بیان به صراحت در قانون مورد اشاره قرار گرفته و جای تردیدی در آن نیست. لذا اگر قرار است که ایشان به واسطه یک نقدی که از گذشته داشته است، مورد پرسش قرار بگیرد، همه این قوانینی که درباره آزادی بیان و آزاد بودن نقد قدرت نوشته شده، باید به‌صورت یکجا مورد بازنگری قرار بگیرند. البته تأکیدی که روی آزادی بیان دارم به این معنا نیست که باید فراتر از آن سخن گفت. به

عبارتی، غیرقابل

چهارشنبه ۳ دی ۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۹۶۵
www.hammihanonline.ir

نگاه اصلاح‌طلب

افشین حبیب‌زاده فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

نباید به بهانه توهین، زمینه ایجاد محدودیت برای نقد را فراهم کرد

انکار نیست که در اظهارنظر، توهینی نباید صورت بگیرد. **«بخشی از این واکنش‌ها از سوی افرادی است که در دولت سیزدهم پست و مقام داشتند. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

وقتی که نقدی به شخصیتی سیاسی انجام می‌شود و در قبال آن نقد واکنش‌هایی صورت می‌گیرد؛ به نظر می‌رسد این واکنش‌ها، واکنش‌هایی جانبدارانه است. یعنی اینکه اینطور نیست اگر سخن حقی گفته می‌شود و یا انتقاد حقی صورت می‌گیرد آن را تأیید کنند و یا اگر غیر از این است، نسبت به آن انتقاد انجام دهند. اگر این موضوع از هر دو طرف اصلاح‌طلب و اصول‌گرا رعایت شود، ما با این شرایط مواجه نمی‌شویم. نگه جانبدارانه به اظهارنظرها باعث ایجاد این مسائل می‌شود. موضوعی که ابتدا اشاره کردم را یکبار دیگر تکرار می‌کنم، ما نباید به بهانه توهین یا مواردی از این دست، زمینه ایجاد محدودیت برای نقد را فراهم کنیم. یک مقدار تحمل خودمان را در این مسائل بالا ببریم که کمتر با موضوعات این‌چنینی مواجه شویم. هم خودمان به عنوان فعال‌های سیاسی و هم گروه‌های سیاسی لازم است به این موضوعات توجه کنیم. ما شاهد بودیم که در دوره‌های پیشین هم علیه افرادی مانند آقای خاتمی که سال‌ها قبل رئیس‌جمهور بودند و یا آقای هاشمی که آن موقع هم مسئولیت داشتند، مطالب بسیار تندتری گفته می‌شد که آن مطالب را هم می‌توان توهین تلقی کرد، اما می‌بینیم که حساسیت نسبت به این افراد کمتر است و نمی‌گویند که آن حرف‌ها توهین یا تهمت بوده است.

«به گذشته اشاره داشتید و تناقض‌هایی که در مواجهه با اظهارنظر علیه چهره‌هایی چون هاشمی، خاتمی، موسوی، کروبی و یا اخیراً روحانی و ظریف دیده می‌شود. این تفاوت‌ها در مواجهه با اظهارنظرها علیه مقامات سابق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اصل موضوع بر این است که همه ما به عنوان فعالان سیاسی، باید نسبت به توهین و افترا نسبت به افراد حساس باشیم و به سمت توهین و تهمت نرویم. یعنی حداقل از سوی خود ما نباید اجازه داده شود که نسبت به افراد توهین شود. می‌توان قدرت را نقد کرد، دایره نقد هم برای افراد باز است و می‌توان آزادانه افراد را مورد نقد قرار داد. اما همه ما باید این مبنا و اصل را بپذیریم که در گفتار و اظهارنظرها نباید به کسی توهین کرد و همچنین نباید افترا و تهمتی را به افراد وارد کرد. اگر این را به عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار دهیم، طبیعتاً دستگاه قضایی هم بدون اینکه برایش فرقی داشته باشد که آن شخص منتسب به چه گروه و چه جناحی است؛ باید واکنش نشان دهد و اگر توهین یا تهمتی صورت گرفته، بدون توجه به خاستگاه سیاسی فرد، دادستان علیه او اعلام جرم کند. اما اگر اینطور باشد که نسبت به اظهارنظر علیه یک فرد از یک جناح سیاسی حساسیت وجود داشته باشد اما درباره دیگران اینطور نباشد، عدالت دستگاه قضایی حتماً مورد پرسش مردم قرار خواهد گرفت. اولین توقعی که از دستگاه قضایی کشور می‌رود و کارویژه اصلی دستگاه قضا هم محسوب می‌شود، این است که عدالت را رعایت کرده و آن را مستقر کنند.

«بجای که وجود دارد، این است که به نظر می‌رسد درباره سیدابراهیم رئیسی این حساسیت را ببوجود می‌آورند و به گونه‌ای رفتار می‌شود که گویا رئیس‌جمهور سابق و دولتی که او در رأس آن قرار گرفته بود، هیچ ایرادی نداشته است.

نظرتان درباره این موضوع چیست؟

اصلاً کسی نمی‌تواند چنین ادعایی داشته باشد که دولت‌ها در دنیای مدرن هیچ عیب و ایرادی ندارند. اگر قرار بود که دولت‌ها همه کارهایی که انجام دادند، بی عیب و نقص باشد که ما الان در ایران با این حجم مشکلات مواجه نشده بودیم. چندین دوره دولت‌ها در حوزه اصلاح‌طلبان بوده و چند دوره هم دست اصولگراها بوده است. در همه این دوره‌ها می‌توان ایراد مشاهده کرد. مثلاً به دولت آقای احمدی‌نژاد ایرادهای جدی و اساسی وارد است و بارها این ایرادات گفته شده است. اما اینکه بخواهیم جامه قداست به یک دولت و یک شخص ببوشانیم، بحث دیگری است. اگر طرفداران خودشان بخواهند، این کار را انجام دهند نوعی قداست ایجاد کنند، به‌نظر من ایرادی به آن وارد نیست. چون طرفدارانش هستند و از روی علاقه و محبت این کارها را انجام می‌دهند. البته که چنین رفتاری و ایجاد قداست از عدالت و واقعیت به دور است اما به هر ترتیب گفته می‌شود که آنهایی که ایجاد قداست کرده‌اند، طرفدارانش هستند و علاقه دارند که هاله قداست به آن فرد یا مجموعه بدهند. اما آن چیزی که مهم است و باید مورد اشاره قرار بگیرد، این موضوع است که دستگاه‌های اجرایی یا دستگاه‌هایی که به‌فضاوت می‌نشینند؛ نباید وارد این حوزه شوند. در واقع آنها دیگر نباید به عملکرد دولت‌ها و افراد جامعه قداست ببخشند.

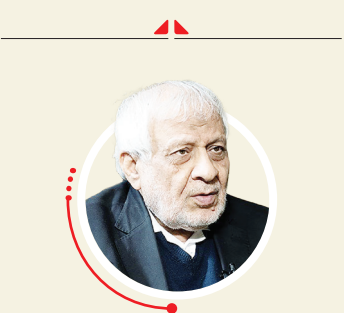


سیاستمداران



اعتراض به برخورد قضایی به دلیل انتقاد

به گزارش روابط‌عمومی حزب اتحادملت ایران اسلامی، فاطمه پهلوانی، سخنگوی حزب اتحاد ملت درباره جلسه دفتر سیاسی این حزب گفت: «پس از تبادل اخبار، دفتر سیاسی اعتراض شدید خود را نسبت به اعلام جرم دادستانی بیرجند علیه دکتر آقابراهیمی، استاد دانشگاه بیرجند و رئیس شعبه حزب اتحاد ملت در استان خراسان جنوبی، که در جلسه دیدار رئیس‌جمهور با نخبگان مطالب انتقادی را مطرح کرده بودند، اعلام کرد. دفتر سیاسی همچنین از دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران خواست در دفاع از حق آزادی بیان مصرح در قانون اساسی، تذکرات لازم را برای جلوگیری از این گونه تنگ‌نظری‌ها به قوه قضائیه ارائه کنند.»



فقط من از رئیس‌جمهور حمایت کردم

اسدالله بادامچیان، رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه در گفت‌وگو با مهر راجع به جلسه جمعی از شخصیت‌های حزبی و سیاسی با رئیس‌جمهور و روایت‌هایی که از این جلسه در رسانه‌های اصلاح‌طلب منتشر شده، گفت: «یکبار چه اصلاح‌طلبان به آقای رئیس‌جمهور حمله کردند و برخی از آنها به دور از ادب صحبت کردند در واقع چیز عجیب و غریبی بود. جلسه جالبی بود؛ از این جهت که آقای رئیس‌جمهور از بیش از سه ساعت و نیم زمان جلسه، حدود دو ساعت و نیم شاید هم بیشتر را به شنیدن صحبت‌های همه‌ی حاضران اختصاص دادند. حاضران از طیف‌های مختلف سیاسی بودند، هر چند اکثریت را اصلاح‌طلبان تشکیل می‌دادند.» بادامچیان اضافه کرد: «از سوی اصولگرایان تعداد کمتری صحبت کردند و اگر نقدی هم داشتند، بیشتر ناظر به مسائل معیشتی و مشکلات جاری مردم بود. در این میان فقط یک نفر از رئیس‌جمهور حمایت کرد که آن هم من بودم. من از طرف مؤتلفه دعوت شده بودم؛ هم من و هم آقای امانی دعوت بودیم. ایشان دبیرکل هستند و قرار بود ایشان صحبت کنند، اما در نهایت این گونه شد که من صحبت کردم. در صحبت‌هایم ابتدا از آقای رئیس‌جمهور بابت برگزاری این جلسه تشکر کردم. سپس گفتم از همکاری از شما که خوب کار کرده‌اند تشکر داریم و درباره همکاری که نتوانسته‌اند عملکرد مطلوبی داشته باشند، یا از خداوند متعال مسئلت داریم که به آن‌ها توفیق بدهد، یا اینکه شما نسبت به تغییرشان اقدام کنید.» وی در ادامه افزود: «تقریباً اجماعی که در این جلسه وجود داشت این بود که برای حل مسائل مردم و مشکلات موجود، باید در برخی از همکاران و همچنین در برخی سیاست‌ها تغییر ایجاد شود. البته ممکن است بعضی‌ها این موضوع را در جهت منافع جناحی یا جریانی تفسیر کنند، اما در مجموع خواست مردم هم همین است؛ اینکه تغییر ایجاد شود، چه در مدیریت‌هایی که نتوانسته‌اند کار کنند و چه در سیاست‌ها و بعضی برنامه‌ها.» وی در ادامه سخنانش به طور تلویحی به حضور نماینده نهضت آزادی در جلسه با رئیس‌جمهور با وجود نداشتن فعالیت قانونی اشاره کرد و گفت: «نکته‌مهم‌تر این بود که وقتی آقای رئیس‌جمهور شروع به صحبت کرد، یکی از حاضران که عملاً نماینده یک گروه تقریباً غیرقانونی بود با وجود این، به جلسه دعوت شده بود صراحتاً پرسید چرا مذاکره نمی‌کنید؟ آقای پزشکیان در پاسخ گفت: «من در نیویورک بودم، با مکرون مذاکره کردم، نشستیم و حتی به توافق هم رسیدیم، اما بعد آمریکایی‌ها به او گفتند نباید کاری انجام بدهد و موضوع متوقف شد.» سپس تأکید کرد آنچه‌ا از مذاکره می‌خواهند، اصل مذاکره نیست، بلکه مطالبات دیگری است؛ اینکه ایران توان موشکی خود را کنار بگذارد، از برنامه هسته‌ای صرف‌نظر کند و حتی اجازه دهد درباره تمامیت کشور تصمیم‌گیری شود. گفت: «من نمی‌توانم چنین کاری بکنم و اصلاً به خودم اجازه نمی‌دهم چنین چیزی را بپذیرم.»